

## دو فصلنامه پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت

سال پنجم، شماره ۱۰، پائیز و زمستان ۱۳۹۷

### بررسی ابعاد حقوقی حساب جاری بانکی در حقوق ایران و تطبیقی

اصغر محمودی<sup>۱</sup>، جلال سلطان احمدی<sup>۲</sup>، محمد علی سهمانی اصل<sup>۳</sup>، قادر بابائی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۰

#### چکیده

قرارداد تشکیل حساب جاری بانکی، اقتضای می‌کند، که ماهیت آن قرارداد مشخص و معین گردد، از طرفی، مشتریان به تبع چکی که در دست دارند، بانکها مکلفند، به اندازه اعتمادی که دارنده چک به صاحب حساب و بانک عامل دارد، به تعهدات خودشان عمل نمایند. بانک مسئولیت مدنی، ناشی از عملیات بانکی را دارد. بانکها با جذب سپرده‌ها از طریق انعقاد قرارداد "حساب جاری بانکی" که در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ به نام قرض‌الحسنه جاری می‌باشد. اقدام به تجهیز منابع پولی می‌کنند. در این مقاله با در نظر گرفتن حقوق بانکی، عرف بانکداری، حقوق مدنی و حقوق تعهدات و بازار پول و مقررات پولی و بانکی کشورمان، شناخت همه جانبه ماهیت حقوقی قرارداد حساب جاری بانکی و روابط طرفین این قرارداد بررسی می‌شود. دغدغه اصلی اینجانب، از نگارش این مقاله تعیین ماهیت حقوقی حساب جاری بانکی است. که ارائه تعریف حقوقی دقیق از قرارداد حساب جاری در معنای خاص، منوط به مطالعه و بررسی دقیق ماهیت این قرارداد مهم حقوق بانکی است.

**واژه‌های کلیدی:** حساب جاری، ماهیت حقوقی سپرده‌ها، سپرده قرض الحسنه جاری، حقوق بانکی، قرارداد حساب جاری بانکی.

---

۱. استادیار دانشگاه پیام نور

۲. استادیار دانشگاه پیام نور

۳. استاد مدعو دانشگاه شهید بهشتی (دانشکده مدیریت و حسابداری) و مدیر عامل بانک رفاه کارگران

۴. نویسنده مسئول و دانشجوی مقطع دکتری حقوق خصوصی مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور،

## ۱. مقدمه

### الف: تحدید موضوع

ارائه تعریف حقوقی دقیق از قرارداد حساب جاری در معنای خاص منوط به شناخت دقیق ماهیت این قرارداد است که در ادامه در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

معنای عام حساب جاری عبارت است از کلیه معاملات و عملیات میان دو شخص اعم از حقیقی یا حقوقی و تاجر یا غیر تاجر لیکن این اصطلاح به لحاظ کثرت استعمال بیشتر روابط میان بانک و صاحب حساب جاری را متبادر به ذهن می‌نماید، که این معنای خاص از مصادیق همان تعریف فوق است. اصطلاح حساب جاری در حقوق بانکی به معنای کلیه معاملات و مبادلات مالی میان بانک و صاحب حساب جاری تعریف گردیده است.

ژرژ ریپر و امانوئل ورژه در جلد اول کتاب حقوق تجارت خود که در سال ۱۹۵۶ منتشر گردید حساب جاری را عقدی تعریف نموده که به موجب آن دو شخص در روابط معاملاتی خود توافق می‌کنند، مجموع عملیات فی‌مابین را در حساب واحدی بصورت پرداخت‌های بدهکار و بستانکار ثبت نمایند (کیایی، کریم، ۱۳۴۷، ص ۱۵).

یکی از مؤلفین ایرانی پس از ارائه تعاریف مختلف از حساب جاری در نهایت حساب جاری را قراردادی معرفی می‌کند که "به موجب آن دو یا چند شخص توافق می‌کنند تمام یا قسمتی از عملیات و دریافت‌ها و پرداخت‌های خود را در حسابی به این نام انجام دهند (کیایی، کریم، ۱۳۴۷، ص ۱۵).

تعاریف فوق به معنای عام حساب جاری، بدون ملاحظه فرضی که یک طرف قرارداد بانک باشد، پرداخته‌اند. لیکن آنچه موضوع این مقاله می‌باشد قرارداد حساب جاری‌ای است که یک طرف آن شخص حقوقی به نام بانک می‌باشد. حساب جاری در این معنای خاص در فرهنگ دهخدا به حسابی تعبیر شده است که «در بانکها بنام اشخاص باز می‌گردد و شرایط نقل و انتقال وجوه سپرده در این حساب آسان می‌باشد و معمولاً سودی برای آن منظور نمی‌شود (دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۰، ص ۵۲۶)».

ب: تقسیم موضوعات به شرح ذیل است.

## ۲. مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته، تاریخچه و مفاهیم

همانگونه که اشاره شد، حساب جاری معنایی وسیع‌تر از معنای مصطلح در حقوق بانکی دارد. در واقع به هر نوع صورت معاملات و مبادلات میان دو شخص اعم از بازرگان و غیر بازرگان حساب جاری اطلاق می‌شود. در گذشته حساب جاری چیزی بیش از یک تابلوی حاوی ستون بدهکار و بستانکار ناشی از معاملات میان دو شخص نبوده است و در آن زمان به حساب جاری صرفاً از حیث جنبه‌های حسابداری آن توجه می‌شد. بعنوان مثال "مرلن" از مؤلفین فرانسوی قرن نوزدهم حساب جاری را از حیث تجاری و بانکی اینگونه تعریف نموده است: «در اصطلاح تجارتی حساب جاری نماینده وضع دو بازرگان در روابط فیما بین و بدهکاری و بستانکاری مشترک آنها است و در اصطلاح بانکی عبارت از پرداخت‌های متقابل طرفین و بروات صادره عهده یکدیگر می‌باشد (کیایی، کریم، ۱۳۴۷، ص ۱۳)».

## ۲-۱. سابقه تاریخی

حساب جاری به معنای عام در بین اقوام مختلف از قبیل بابلی‌ها، یونانی‌ها و رومیها متداول بوده است. علاوه بر این حساب جاری به معنای خاص و به عنوان یکی از فعالیت‌های متداول در بانکهای بابل، یونان و روم متداول بوده است به نحوی که بانکداران، علی‌الخصوص بانکداران رومی، عملیات مشتریان را یادداشت نموده و این عملیات مرتباً در دفاتر تجاری بانک ثبت شده و مانده این حسابها از طرف صاحب آن همواره قابل مطالبه بوده است (کیایی، کریم، ۱۳۴۷، ص ۸ و ۹). برخی از حقوقدانان فرانسوی سعی کرده‌اند مبنا و آثار حقوقی فعلی مترتب بر قرارداد حساب جاری را به عملیات حساب جاری در یونان و روم مرتبط سازند. اما واقعیت آن است که تا قبل از نیمه دوم قرن نوزدهم عملیات حساب جاری در بانک‌ها صرفاً جنبه حسابداری داشته و به جنبه‌های حقوقی آن به عنوان یک قرارداد توجه نمی‌گردیده و صرفاً به نحو عملی بین بانک و صاحب حساب متداول بوده است. لذا می‌توان گفت اگر چه حساب جاری از لحاظ عملی بسیار قدیمی بوده و تا حدود ۲۰ قرن قبل از میلاد مسیح نیز سابقه داشته است، لیکن از لحاظ حقوقی نوپا بوده و از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی است، که حقوقدانان در تالیفات خویش به جنبه‌های حقوقی آن توجه نموده و کم کم

متناسب با نیازها و مشکلاتی که در این خصوص ایجاد گردیده کشورهای اروپایی مبادرت به وضع قوانین در این مورد نموده‌اند. (Cranston, 2018)

هم اکنون در ایران عمدتاً دو قانون به تنظیم نحوه فعالیت بانکها می‌پردازند: «قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۰۴/۱۸» که جایگزین «قانون بانکی و پولی کشور مصوب سال ۱۳۳۹» گردیده و دیگری «قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲/۶/۸». اولین قانونی که در ایران به حساب جاری اشاره نموده است «قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران برای پیشرفت در امر تجارت و فلاح و زراعت و صنعت» مصوب ۱۳۰۶/۴/۱۴ مجلس شورای ملی می‌باشد. ماده پنجم این قانون که بواسطه «قانون افزایش سرمایه بانک ملی» مصوب ۱۳۱۴/۴/۷ و ملی شدن بانکها نسخ شده است، مقرر می‌داشت: «بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و...» (ضیایی، منوچهر، ۱۳۷۲، ص ۴۴) در قانون بانکی و پولی کشور مصوب ۱۳۳۹ و نیز قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ هیچ اشاره‌ای به قرارداد حساب جاری نشده است، اما بند ۳ ماده ۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا یکی از اهداف نظام بانکی را ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد، اندوخته‌ها، پس اندازها، سپرده‌ها و... می‌داند. همچنین بند ۸ ماده ۲ همین قانون یکی از وظایف نظام بانکی را افتتاح انواع حسابهای قرض الحسنه (جاری و پس انداز) و... می‌داند.

## ۲-۲. ماهیت قرارداد حساب جاری بانکی

تشخیص ماهیت قرارداد حساب جاری از ضرورت‌های اساسی این مقاله می‌باشد. زیرا بدون تشخیص ماهیت این قرارداد ادامه بحث و پاسخ به سؤالات مربوط به شرایط انعقاد، آثار این قرارداد، حقوق و تکالیف متقابل طرفین این قرارداد و... امکانپذیر نیست. در خصوص ماهیت قرارداد حساب جاری نظریات مختلفی ارائه گردیده و اساساً از موضوعات بحث برانگیز در حقوق بانکی به شمار می‌آید. در این بخش به نظریات ارائه شده در این زمینه پرداخته خواهد شد.

## ۲-۲-۱. نظریه ودیعه تلقی کردن قرارداد حساب جاری بانکی

ماده ۶۰۷ قانون مدنی در تعریف ودیعه می‌گوید: «ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آنکه آنرا مجانی نگاه دارد...» پاره‌ای از نویسندگان حقوقی برای رفع

عیب ماده ۶۰۷ قانون مدنی در تعریف عقد ودیعه که توهّم عینی بودن این عقد را القاء می‌کند، این عقد را چنین تعریف نموده‌اند: «عقدی است که به موجب آن برای نگاهداری رایگان از مالی به دیگری نیابت داده می‌شود» (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، ص ۷۲). از این تعریف ۴ ویژگی برای ودیعه استنباط شده است: ۱- ودیعه عقد است. ۲- ودیعه عقدی جایز است. ۳- ودیعه از عقود اذنی است. ۴- ودیعه عقدی رضایی است. ۵- ودیعه رایگان است (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۵، ص ۶-۸). مشکل اصلی در تطابق قرارداد حساب جاری با عقد ودیعه به لحاظ عدم امکان استرداد عین وجوه توسط بانک و مغایرت این قسمت از قرارداد با ماده ۶۱۹ قانون مدنی می‌باشد. زیرا همانگونه که سابق بیان گردید «قرارداد سپرده قرض الحسنه جاری» از ابزارهای تجهیز منابع بانکی بوده، فلذا بانک اصل وجوه را دست نخورده نگاهداری نمی‌کند بلکه وجوه دریافتی از صاحب حساب جاری را در قالب یکی از عقود معین و به عنوان اعتبار به دیگری می‌دهد، و در واقع تعهد بانک در قرارداد حساب جاری به بازپرداخت مثل وجوه دریافتی است و نه عین این وجوه که برخی از حقوقدانان فرانسوی نظر داده‌اند، که اذن مالک (مودع) بر اینکه طرف مقابل (مستودع) مثل مال را پس بدهد، وصف ودیعه بودن چنین قرارداد را مخدوش نمی‌کند (کاشانی، محمود، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴). برخی دیگر از طرفداران ودیعه تلقی کردن قرارداد حساب جاری جهت رفع این ایراد به تئوری «ودیعه خلاف قاعده» تمسک نموده‌اند.

## ۲-۲-۲. تئوری قرض تلقی کردن قرارداد حساب جاری بانکی

مطابق ماده ۶۴۸ قانون مدنی «قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل قیمت یوم‌الرد را بدهد.» قرض از عقود تملیکی است و موجب انتقال مالکیت موضوع قرض به مقترض می‌شود. با مقایسه عقد قرض و قرارداد حساب جاری مشاهده می‌شود که این دو عقد از حیث آثار و تعهداتی که ایجاد می‌کنند وجوه تشابه فراوانی دارند همین باعث شده بسیاری از نویسندگان حقوقی با ذکر شباهت‌های فراوان آثار و تعهدات طرفین در عقود قرض و سپرده‌های بانکی به طور کلی حکم به یگانگی ماهیت این عقود داده‌اند و اندک تفاوت‌های

موجود در آثار قراردادهای (علی‌الخصوص قرارداد حساب جاری) با عقد قرض را در قالب شروط ضمن عقد قرض توجیه نموده‌اند.

برخی در جهت رفع ایرادات وارده به نظریه قرض تلقی کردن قرارداد حساب جاری اقدام به تفکیک میان عقد قرض و عقد قرض‌الحسنه نموده و چنین استدلال نموده‌اند که عقد قرض‌الحسنه نوع خاصی از عقد قرض است که در آن قصد احسان و انگیزه‌های معنوی وجود دارد حال آنکه در عقد قرض ضرورت چنین قصدی لازم نیست و به همین خاطر ماده ۶۴۸ قانون مدنی اشاره به قصد احسان نموده است. لذا قرارداد حساب جاری با عقد قرض انطباق دارد و نه قرض‌الحسنه (فرزین‌وش و شعبانی، اسدالله و احمد، ۱۳۸۷، ص ۲۷۵). اما چنین تفکیک نیز ایراد فوق را مرتفع نمی‌سازد، زیرا اساساً اشکال در آنجاست که مطابق مرسوم در حین انعقاد قرارداد حساب جاری نه مشتری قصد قرض دادن وجوه خود به بانک را دارد و نه بانک قصد دریافت چنین وجوهی را به عنوان قرض از مشتری دارد. لذا با توجه به ایراد فوق که بی‌پاسخ مانده است و نظر به اینکه قصد مشترک و هدف در قرارداد حساب جاری با عقد قرض متفاوت است. لذا نمی‌توان به استناد برخی اشتراکات در آثار و تعهدات ناشی از انعقاد این دو عقد مدعی وحدت ماهیت این دو عقد شد.

### ۲-۳. قرارداد حساب جاری بانکی به عنوان یک عقد نامعین

برخی نویسندگان حقوقی پس از سنجش امکان تطابق قرارداد حساب جاری با عقد معین در نهایت چنین نتیجه‌گیری نموده‌اند که قرارداد مذکور از حیث قصد مشترک و آثار آن عقدی ویژه و مستقل بوده و می‌بایست آنرا در زمره عقود نامعین تلقی و به حکم ماده ۱۰ قانون مدنی آنرا نسبت به طرفین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع دانست و تا حد امکان سعی نمود، احکام مربوطه را از طریق شرایط ضمن عقد در این قرارداد پیش‌بینی نموده و در موارد باقی مانده که قرارداد پیش‌بینی لازم را ننموده است از احکام خاص عقود قرض و ودیعه در موارد مشابه استفاده نمود (کیایی، کریم، ۱۳۴۷، ص ۴۴-۴۶). از میان نویسندگان حقوق بانکی نیز برخی با رد نظریه قرض تلقی کردن قرارداد حساب جاری با دلایلی مشابه همان دلایلی که سابق بیان گردید، این قرارداد را نوعی عقد نامعین دانسته‌اند (مسعودی، علیرضا، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

نتیجه آنکه قرارداد حساب جاری قراردادی خاص، مستقل و نامعین بوده و برای کشف شرایط خاص انعقاد این قرارداد، آثار آن، تعهدات متقابل طرفین و... می‌بایست از متن قرارداد که مبین قصد مشترک طرفین می‌باشد، و نیز منابع پراکنده، نظیر قواعد عمومی قراردادها، حقوق تجارت، عرف خاص بانکی، اصول و قواعد فقهی و حقوقی استفاده نمود.

### ۳. شرایط ویژه قرارداد حساب جاری بانکی

از آنجایی که شرایط اساسی صحت معاملات در مواد ۱۹۰ الی ۲۱۸ قانون مدنی بیان گردیده و نویسندگان حقوق مدنی به تفصیل به شرح این شرایط پرداخته‌اند، لذا در این مطالعه از تکرار این مطالب خودداری شده است. علاوه بر شرایط اساسی صحت معاملات که در انعقاد تمامی قراردادها رعایت می‌گردند، شرایط خاصی نیز وجود دارد که مختص قرارداد حساب جاری بوده و بانک‌ها با رعایت چنین شرایطی اقدام به پذیرش تقاضای افتتاح حساب جاری و انعقاد قرارداد با متقاضی می‌نمایند. این شرایط برگرفته از عرف و رویه رایج بانکداری در کشورمان بوده و بانک مرکزی نیز طی بخشنامه‌های متعدد و پراکنده بانک‌ها را ملزم به رعایت این شرایط حین انعقاد قرارداد حساب جاری نموده است. در ادامه مهمترین این شرایط ویژه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### ۳-۱. معرف

مطابق رویه رایج بانک‌ها و بخشنامه‌های مؤکد بانک مرکزی، افتتاح قرارداد حساب جاری برای متقاضی منوط به تأیید شدن متقاضی از ناحیه شخصی است که در آن بانک حساب جاری داشته و به لحاظ صحت عمل مورد تأیید بانک باشد. شرط معرف مختص اشخاص حقیقی متقاضی افتتاح حساب جاری بوده و اشخاص حقوقی نظیر شرکت‌ها نیازی به ارائه معرف ندارند، زیرا هویت و مشخصات شرکت‌ها و نمایندگان آنها از طریق مدارک ثبتی‌ای که اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری به بانک ارائه می‌نماید به راحتی قابل احراز است (بانک ملی ایران، ۱۳۸۵، ص ۱۷۸ و ۱۷۹).

### ۳-۲. توانایی امضاء کردن

یکی از شروط منحصر به فرد قرارداد حساب جاری شرط ضرورت توان امضاء توسط متقاضی افتتاح حساب جاری است، شاید در بدو امر این سؤال حادث شود، که چه خصوصیتی در قرارداد حساب جاری وجود دارد، که چنین آثاری را بر امضاء کردن مترتب می‌سازد؟ پاسخ این سؤال را می‌بایست در ارتباط تنگاتنگ «قرارداد حساب جاری» و «چک» و نیز آثار ویژه مترتب بر امضاء در چک جستجو نمود. همچنین لازم به ذکر است که در مورد متقاضیان صاحب حساب ناتوان از امضاء (نایبنا، معلول یا بی‌سواد) نیز برخی از نویسندگان حقوق بانکی راه حل مناسب و در عین حال موافق با قانون را استفاده از وکیل می‌دانند (کیایی، کریم، ۱۳۴۷، ص ۵۲ و ۵۳).

### ۳-۳. عدم وجود سابقه چک برگشتی

یکی دیگر از شروط لازم جهت انعقاد قرارداد حساب جاری در ماده ۲۱ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ بیان گردیده است. مطابق این ماده «بانک‌ها مکلفند کلیه حساب‌های جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی‌محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز نمایند...» چنانچه متقاضی ظرف سه سال اخیر منتهی به تقاضای افتتاح حساب جاری، حداقل دو فقره، صدور چک بلا محل منتهی به شکایت و صدور کیفرخواست داشته باشد، انعقاد قرارداد حساب جاری بین بانک و چنین اشخاصی امکانپذیر نمی‌باشد. بخشنامه مصوب تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۲۱ اداره کل نظارت و امور بانک‌های بانک مرکزی که به تمامی بانک‌های کشور ابلاغ گردیده شرط فوق را به شرح ذیل مورد اشاره قرار داده است: «بررسی لیست سیاه (دفتر ثبت مشخصات صادرکنندگان چک‌های بلا محل که طی سه سال بیش از یکبار چک بلا محل صادر نموده باشند) توسط مسوول افتتاح حساب جاری شعبه و اطمینان از اینکه متقاضی قبلاً مشمول ماده (۲۱) قانون صدور چک نبوده و از افتتاح حساب جاری محروم نگردیده باشند (مجموعه بخشنامه‌های مدیریت نظارت و امور بانک‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵، ص ۴۳۴)».



### ۳-۴. تابعیت یا اقامت در ایران

مطابق بخشنامه‌ها و مقررات بانکی تقاضای افتتاح حساب جاری از جانب اشخاصی پذیرفته می‌شود که تابعیت ایرانی داشته یا جواز اقامت در ایران را داشته باشند. بند ب بخشنامه شماره نب/۵۲۳۴ تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۲۱ اداره کل نظارت و امور بانک‌های بانک مرکزی انعقاد قرارداد حساب جاری با اشخاص حقیقی تابع یک کشور خارجی را منوط به وجود و ارائه جواز اقامت متقاضی دانسته است (مجموعه بخشنامه‌های مدیریت نظارت و امور بانک‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵، ص ۴۳۴). بدین ترتیب انعقاد قرارداد حساب جاری بین بانک‌های ایران و اتباع بیگانه که فاقد مجوز اقامت در ایران باشند نظیر بیگانگانی که بعنوان پناهنده در ایران سکونت دارند و دارای مجوز سکونت (موسوم به کارت آبی رنگ) از وزارت کشور می‌باشند و یا بیگانگانی که با روادید جهانگردی یا روادید موقت سه ماهه وارد ایران می‌شوند، امکانپذیر نمی‌باشد.

### ۴. ضمانت اجرای شروط انعقاد

#### ۴-۱. ضمانت اجرای شرایط اساسی صحت قرارداد حساب جاری بانکی

ضمانت اجرای شرایط اساسی صحت معاملات در قانون مدنی و توسط نویسندگان حقوق مدنی به تفصیل بیان گردیده و تمامی احکام مربوط به ضمانت اجرای شرایط اساسی صحت معاملات در قرارداد حساب جاری نیز جاری می‌باشد. لذا بیان مجدد آن مباحث در این مطالعه بی مورد خواهد بود.

#### ۴-۲. ضمانت اجرای شروط ویژه قرارداد حساب جاری بانکی

در این بخش از مطالعه سعی داریم اعتبار قرارداد حساب جاری را در حالت عدم رعایت شروط ویژه قرارداد حساب جاری بررسی نمائیم.

#### ۴-۲-۱. ضمانت اجرای شرط ارائه معرف

ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ یکی از وظایف بانک مرکزی را دخالت و نظارت در امور پولی و بانکی از طریق تعیین مقررات افتتاح حساب جاری و پس انداز و سایر حساب‌ها ذکر نموده است. (بند ۸ ماده فوق) ماده ۳۷ همین قانون بانک‌ها را مکلف به تبعیت از دستورات بانک مرکزی نموده است و نهایت ماده ۴۴ این قانون تخلف بانک از دستورات بانک

مرکزی را مستوجب مجازات‌های انتظامی از قبیل تذکر انتظامی، پرداخت جریمه نقدی و ممنوعیت موقت یا دائم بانک از انجام برخی امور بانکی دانسته است. غیر از ضمانت اجرای فوق در این قانون و سایر قوانین بانکی مرتبط ضمانت اجرایی برای رعایت دستورات بانک مرکزی ملاحظه نمی‌گردد.

#### ۴-۲-۲. ضمانت اجرای شرط توانایی امضاء کردن

اداره کل نظارت و امور بانک‌های بانک مرکزی در بخشنامه شماره ۳۵/۱۰۳۱ تاریخ ۳۵/۵/۲۲ ۱۳۷۳/۵/۲۲ انعقاد قرارداد حساب جاری بدون رعایت شرط فوق را غیر ممکن تلقی نموده است. ضرورت شرط فوق ناشی از ماده ۱۳۱ قانون تجارت است که امضای چک توسط صادرکننده (صاحب حساب) را لازم دانسته و دیگر طرق اعلام قصد نظیر مهر، اثر انگشت و ... را نپذیرفته است. البته برای اثبات ضرورت امضاء در صدور چک می‌توان به مواد ۲ و ۴ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ نیز استناد نمود، که تطبیق امضای صادر کننده بر روی چک با نمونه امضای وی در بانک افتتاح کننده حساب را ضروری دانسته است.

#### ۴-۲-۳. ضمانت اجرای شرط عدم وجود سابقه چک برگشتی

مطابق ماده ۲۱ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ چنانچه شخصی بیش از یکبار چک بلامحل صادر نموده و علیه نامبرده کیفرخواست صادر گردیده باشد بانک‌ها تا سه سال حق افتتاح حساب جاری برای چنین شخصی را نخواهند داشت. با توجه به ارتباط مستقیم حکم مندرج در ماده فوق با نظم عمومی و حقوق اشخاص ثالث، تردیدی در آمره بودن حکم فوق وجود ندارد، فلذا چنانچه بانک بدون استعلام سابقه متقاضی از بانک مرکزی یا علیرغم اخذ استعلام و کشف وجود مانع قانونی مبادرت به انعقاد قرارداد حساب جاری با چنین شخصی نماید، تردیدی در بطلان چنین قراردادی به لحاظ مخالفت با قانون آمره وجود نخواهد داشت.

#### ۴-۲-۴. ضمانت اجرای شرط تابعیت یا اقامت در ایران

شرط تابعیت ایرانی داشتن یا اقامت متقاضی در ایران اگرچه در جهت حفظ نظم و حقوق اشخاص ثالث وضع گردیده، لیکن نظر به اینکه مستند آن صرفاً بخشنامه بانک مرکزی بوده و ضمانت اجرای

قانونی برای آن پیش‌بینی نگردیده فلذا به نظر می‌رسد تخلف از چنین شرطی خللی به اعتبار قرارداد حساب جاری وارد نمی‌سازد، که البته از نقائص قانون محسوب می‌شود.

### ۵. آثار قرارداد حساب جاری بانکی

اثر یک قرارداد صرفاً ایجاد تعهد نیست، بلکه با بررسی انواع عقود معین و نامعین ملاحظه می‌گردد، که یک قرارداد ممکن است، منجر به انتقال مالکیت، ایجاد شخصیت حقوقی، انتقال یا زوال تعهد و یا ایجاد اذن و اباحه گردد (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، ص ۵۰۳).

با انعقاد قرارداد حساب جاری، حسابی تحت همین عنوان و به نام متقاضی نزد بانک افتتاح می‌شود. مطابق آنچه که از مفاد این قرارداد و قصد طرفین قرارداد دانسته می‌شود، بانک در مقابل صاحب حساب متعهد می‌گردد، کلیه وجوهی را که صاحب حساب یا اشخاص ثالث قصد واریز به این حساب دارند، را بپذیرد. و متقابلاً صاحب حساب حق واریز وجوه به این حساب را خواهد داشت. عین وجوه واریزی به این حساب به تملک بانک درآمده و بانک معادل وجوه دریافتی مدیون صاحب حساب می‌گردد، لذا صاحب حساب حق خواهد داشت، در هر زمان با کشیدن چک دین خویش را از بانک مطالبه نماید، و بانک نیز متعهد می‌گردد به محض مطالبه، دین خویش را به صاحب حساب یا هر شخص دیگر دارنده چک بپردازد. (Ellinger et al, 2011)

با توجه به مفاد قرارداد حساب جاری که فوق بیان گردید، آثار این قرارداد را تحت سه عنوان زیر می‌توان طبقه‌بندی و تشریح نمود:

۱- تعهد بانک به پذیرش وجوه واریزی به حساب

۲- انتقال مالکیت وجوه به بانک

۳- تعهد بانک به استرداد عندالمطالبه مثل وجوه

### ۵-۱. تعهد به پذیرش وجوه

با انعقاد قرارداد حساب جاری بانک متعهد به پذیرش تمامی وجوه واریزی به حساب مشتری خواهد بود. این تعهد از آثار منجز و بدون قید و شرط قرارداد حساب جاری بوده و بانک نمی‌تواند از ایفای آن امتناع نماید.

اگر چه تعهد بانک به پذیرش وجوه واریزی به حساب جاری صرفاً در مقابل صاحب حساب بوده و متعهد که صرفاً صاحب حساب می‌باشد، لیکن حسب مفاد قرارداد و قصد مشترک طرفین، بانک مؤظف است وجوه واریزی به حساب مشتری را، صرفنظر از اینکه توسط صاحب حساب یا شخص ثالث واریز گردد، بپذیرد. البته، که این به معنای تعهد بانک در مقابل اشخاص ثالث نبوده و صرفاً ناشی از تعهد بانک در مقابل صاحب حساب می‌باشد، زیرا میان بانک و اشخاص ثالث رابطه قراردادی مستقیمی متصور نبوده و از طرف دیگر قرارداد حساب جاری متضمن هیچ تعهدی به نفع ثالث نمی‌باشد.

#### ۲-۵. انتقال مالکیت وجوه واریزی به بانک

درخصوص اینکه آیا وجوه واریزی به حساب جاری کماکان در مالکیت صاحب حساب باقی می‌ماند یا به بانک منتقل می‌گردد نظریات مختلفی ابراز گردیده که منشاء این اختلاف، اختلاف نظر در خصوص ماهیت قرارداد حساب جاری است.

اکثر قریب به اتفاق نویسندگان حقوقی، اعم از کسانی که قابل به "ودیعہ خلاف قاعده بودن" ماهیت سپرده‌گذاری هستند یا کسانی که ماهیت سپرده‌گذاری را عقد قرض یا قراردادی نامعین و مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی می‌دانند، قائل به اثر ناقل سپرده‌گذاری هستند. دیوان کشور فرانسه نیز در آرای متعددی (دو رأی مورخ ۲۸ ژوئن ۱۸۶۲ و ۲۹ ژوئیه ۱۹۲۹) به صراحت حکم به انتقال مالکیت پرداخت‌ها در حساب جاری داده است و تنها عده معدود نظیر بواستل، حقوقدانان فرانسوی، قائل به انتقال مالکیت پرداخت‌های حساب جاری نبوده و معتقدند با محفوظ ماندن مالکیت پرداخت کننده، گیرنده می‌تواند مانند یک نماینده و وکیل آزادانه در آن تصرف نماید (کیایی، کریم، ۱۳۴۷، ص ۶۷). از میان نویسندگان حقوق بانکی ایران نیز برخی با ذکر دلایلی منکر انتقال مالکیت پرداخت‌ها به بانک شده‌اند (کیایی، کریم، ۱۳۴۷، ص ۶۸).

#### ۳-۵. تعهد بانک به استرداد عندالطالبه مثل وجوه

پس از پرداخت وجوه در حساب جاری و انتقال مالکیت وجوه به بانک، یک رابطه دائن و مدیونی میان بانک و صاحب حساب ایجاد می‌شود، بدین توضیح که بانک به میزان وجوهی که دریافت و تملک نموده است، مدیون گردیده و تعهد به استرداد مثل این وجوه را در مقابل صاحب حساب

می‌پذیرد. این رابطه دائن و مدیونی و تعهد به استرداد مثل وجوهی دریافتی به عنوان اثر قرارداد حساب جاری و بخشی از مقصود مشترک طرفین قرارداد چنان بدیهی و مسلم تلقی گردیده که تنظیم کنندگان متن قرارداد حساب جاری و شرایط عمومی پیوست آن در بانک‌های مختلف خود را بی نیاز از ذکر صریح آن دیده‌اند. لیکن غالب مواد این قرارداد بر مبنای این اثر قراردادی استوار می‌باشند. مبنای چنین رابطه و تعهدی را در مقررات بانکی نیز می‌توان بنحو پراکنده ملاحظه نمود؛ نظیر ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ که مقرر می‌دارد: «بانک‌ها مکلف به باز پرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه (پس انداز و جاری) می‌باشند...» و یا ماده ۲ آئین نامه تجهیز منابع پولی مصوب ۱۳۶۲/۹/۲۷ که مقرر می‌دارد: «استرداد اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه توسط بانک‌ها تعهد و تضمین می‌گردد و بانکها مکلفند، عندالمطالبه اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه را مسترد نمایند.» و همچنین ماده ۲ دستورالعمل اجرایی قبول سپرده مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۱۸ شورای پول و اعتبار که مقرر می‌دارد: «سپرده‌های قرض‌الحسنه اعم از جاری یا پس‌انداز برذمه بانک می‌باشند...»

حساب جاری عقدی نا معین و بحکم ماده ۱۰ قانون مدنی بوده و در حالیکه انتقال مالکیت وجوه پرداختی به وضوح از قصد طرفین قابل استنباط می‌باشد، نیازی به دلیل دیگر جهت اثبات ناقل بودن این قرارداد نمی‌باشد و صرفاً عقود معینی نظیر قرض و بیع اثر ناقل نداشته و در یک قرارداد نامعین موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی نیز چنانچه طرفین قصد انتقال مالکیت نمایند با مانع حقوقی مواجه نمی‌باشد.

## ۶. آثار ضمنی قرارداد

آنچه تاکنون بیان گردید، آثار اصلی قرارداد حساب جاری بود، که ناشی از مفاد قرارداد و توافق مشترک طرفین این قرارداد می‌باشد، اما در ادامه به بررسی آثاری پرداخته می‌شود که ممکن است موضوع قصد مشترک طرفین نبوده و حتی شاید به ذهن طرفین این قرارداد نیز خطور ننموده باشد، اما از آنجا که این آثار از مقررات و عرف حاکم بر قرارداد حساب جاری نشأت می‌گیرد، فلذا می‌بایست، آن‌ها را در زمره آثار قرارداد حساب جاری تلقی نمود، زیرا به حکم ماده ۲۲۰ قانون مدنی «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین

به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود، ملزم می‌باشند.» نظر به پراکنده بودن منابع این آثار ضمنی، شمارش آنها دشوار بوده و در ادامه صرفاً به دو نمونه از این آثار اشاره می‌گردد:

#### ۶-۱. تعهد صاحب حساب به اعلام آدرس

به لحاظ اهمیت آدرس صاحب حساب از حیث مقررات آیین دادرسی مدنی و کیفری و نیز نحوه ارسال اخطاریه‌ها و اعلامیه‌های بانکی، صاحب حساب مکلف است، در حین افتتاح حساب آدرس دقیق خویش را به بانک اعلام نموده و به محض تغییر آدرس، مراتب را بلافاصله به بانک اعلام نماید. در صورت عدم رعایت تعهد فوق از ناحیه صاحب حساب، بانک حق خواهد داشت، عملیات حساب جاری چنین شخصی را تا زمان اعلام آدرس صحیح متوقف نماید (مجموعه بخشنامه‌های مدیریت نظارت و امور بانکهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵، ص ۴۳۰).

#### ۶-۲. تعهد بانک به حفظ اطلاعات حساب

از دیگر آثار ضمنی قرارداد حساب جاری، تعهد بانک به عدم افشای اطلاعات مربوط به حساب جاری اشخاص است. این تعهد ریشه در عرف و رویه مسلم بانکداری داشته و اهمیت آن به حدی بوده است که حتی قانونگذار نیز در ماده ۳۰۴ قانون سابق آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های حقوقی را از اخذ اطلاعات مربوط به حسابهای اشخاص در بانک‌ها منع می‌نمود و صرفاً در موارد کیفری امکان استعمال از بانک در خصوص اطلاعات حساب اشخاص وجود داشت. لیکن در ماده ۲۱۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حق مطالبه هرگونه اطلاعات به نحو مطلق به دادگاه داده شده و تنها استثنای وارده به این اختیار مطلق دادگاه‌ها، مصالح سیاسی کشور و نظم عمومی ذکر گردیده است.

مدیریت نظارت و امور بانک‌های بانک مرکزی نیز در بخشنامه‌های متعدد بر این تعهد بانک در مقابل صاحب حساب تأکید نموده و افشای اطلاعات حساب اشخاص را (به استثنای مواردی که به تجویز قانون ارائه اطلاعات به مراجع ذیصلاح بلاشکال اعلام گردیده است.) ممنوع اعلام نموده است مجموعه بخشنامه‌های مدیریت نظارت و امور بانک‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵، ص ۳۳۴-۳۳۶).

### ۶-۳. سایر تعهدات بانک

- الف: صدور گواهینامه عدم موجودی و تسلیم آن به دارنده قانونی چک
- ب: ارسال یک نسخه از گواهینامه عدم موجودی به نشانی اعلامی صاحب حساب
- پ: اطلاع رسانی به صاحب حساب از طریق تلفن، ایمیل و تلفن همراه و ارسال پیامک مبنی بر تکمیل موجودی
- ت: احراز هویت دارنده چک از طریق کارت ملی، گواهینامه رانندگی، شناسنامه و کارت پایان خدمت
- پ: تشخیص و بررسی تعلق چک به صادر کننده از طریق مشخصات چک و شماره حساب و شماره سریال مندرج در دفاتر قانونی و سیستم‌های الکترونیکی
- ث: بررسی اصالت چک با وسایل حفاظتی و امنیتی که بر اساس مقررات اداره بازرسی و حراست بانک معین شده است.
- ح: بررسی قرارداد حساب جاری به جهت تعیین حدود اختیارات بانک در قبال پرداخت میزان مبالغ چکهای صادره صاحب حساب

### ۶-۴. مسئولیت ناشی از عدم اجرای تعهدات قراردادی توسط بانک

انجام هرگونه عملیات بانکی اعم از اینکه ناشی از انعقاد صریح یا غیر صریح با مشتری باشد، برای بانک و مشتری در صورتی که در این راستا، خساراتی متوجه طرف مقابل گردد، ایجاد مسئولیت می‌کند (Dooley, 1972). در هر قراردادی طرفین متعهد و پایبند به اجرای تعهدات خود هستند، بانک‌ها نیز مانند هر طرف قرارداد دیگر مکلف به رعایت تعهدات خود می‌باشند.

الف: مسئولیت ناشی از عملیات مربوط به چک‌ها

ب: مسئولیت بانک در مورد چکهای مجعول

پ: مسئولیت بانک پس از وصول چکها و اسناد وصولی مشتریان در صورت مفقودی چک‌ها

ت: مسئولیت بانک در موارد افتتاح و بستن حساب جاری

ث: ضوابط مقرر در مورد نحوه پرداخت وجه چک‌ها

## ۷. انحلال ارادی قرارداد حساب جاری بانکی

انحلال قرارداد حساب جاری را در عرف بانکداری «بستن حساب» گویند و منظور از آن ختم حساب و پایان دادن به رابطه معاملاتی طرفین حساب جاری و انحلال قطعی حساب است (کیایی، کریم، ۱۳۴۷، ۲۰۸).<sup>۱</sup>

در ادامه موارد ارادی انحلال قرارداد حساب جاری بررسی خواهد شد.

الف: فسخ یکجانبه قرارداد حساب جاری بانکی توسط هر یک از طرفین

قرارداد حساب جاری عقدی جایز بوده و مطابق ماده ۱۸۶ قانون مدنی هر یک از طرفین هرگاه اراده نماید حق فسخ این قرارداد را خواهد داشت. بند ۱۲ قرارداد حساب جاری بانک سامان که مشابه آن در قرارداد حساب جاری سایر بانکها نیز قابل مشاهده است.

ب: انحلال قرارداد حساب جاری بانکی با توافق طرفین

ماده ۲۸۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «بعد از معامله طرفین می‌توانند به تراضی آن را اقاله و تفاسخ نمایند.» در تعریف اقاله گفته شده است: «تراضی دو طرف عقد است بر انحلال آن» (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷، ص ۱۶)

## ۸. انحلال قهری قرارداد حساب جاری بانکی

انحلال قرارداد حساب جاری ممکن است بنحو غیر ارادی و بر اثر اتفاقاتی نظیر ورشکستگی، حجر، فوت و...

### ۸-۱. موارد انحلال مربوط به بانک

موارد انحلال قهری قرارداد حساب جاری که مربوط به بانک می‌باشد، را می‌توان به شرح ذیل بررسی نمود:

الف- ممنوعیت بانک از انجام عملیات بانکی به حکم هیأت انتظامی بانکها

ب- انحلال بانک

ج- ورشکستگی بانک

---

۱. البته این بستن را نباید با بستن حساب به معنی تنظیم صورتحساب در پایان هر دوره<sup>۱</sup> محاسبه یا در پایان هر سال مالی و به هنگام تهیه ترازنامه اشتباه کرد.



## ۸-۲. انحلال قهری به علل مربوط به صاحب حساب

قرارداد حساب جاری قهراً منحل و منفسخ می‌گردد:

الف- انحلال به حکم ماده ۲۱ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶

ب- فوت صاحب حساب

مطابق ماده ۹۵۴ قانون مدنی: «کلیه عقود جایز به موت احد طرفین منفسخ می‌شود...» قرارداد

حساب جاری در زمره عقود جایز می‌باشد.

ج- سفته صاحب حساب

قانونگذار حالتی را متصور است که سفته پس از انعقاد قرارداد حادث گردد. در چنین حالتی ماده

۹۵۴ به صراحت حکم به انفساخ را داده است.

د- جنون صاحب حساب

ماده ۹۵۴ قانون مدنی به صراحت حکم به انفساخ عقود جایز در صورت فوت یا سفته هر یک از

طرفین اصدار نموده است.

و- انحلال شخص حقوقی صاحب حساب

چنانچه صاحب حساب یک شرکت سهامی باشد همانگونه که در بحث در خصوص انحلال بانک

تشریح گردید، به حکم ماده ۲۰۸ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت به صرف انحلال، قرارداد

حساب جاری منفسخ نمی‌گردد. علت دیگر آنکه با زوال شخصیت حقوقی یکی از طرفین قرارداد

حساب جاری اجرای قرارداد غیرممکن می‌گردد، فلذا قرارداد به لحاظ غیر مقدور شدن اجرای آن

منفسخ می‌گردد.

ه- ورشکستگی صاحب حساب

برخی به صراحت نظر به انفساخ قرارداد حساب جاری به علت ورشکستگی صاحب حساب (در

حالی که شخص حقیقی است) داده‌اند و در توجیه این عقیده به ماده ۴۱۸ قانون تجارت و ممنوعیت

تاجر ورشکسته از مداخله در اموال خویش اشاره نموده‌اند (بهمند و بهمنی، محمد و محمود، ۱۳۷۹،

ص ۲۲۶ و ۲۲۷).

## ۹. آثار انحلال قرارداد حساب جاری بانکی

اثر اولیه و اساسی انحلال قرارداد حساب جاری، متوقف شدن عملیات حساب است. به عبارت دیگر با بسته شدن حساب جاری عملیاتی نظیر واریز وجوه به حساب یا برداشت از حساب پایان می‌یابد. (کیایی، کریم، ۱۳۴۷، ص ۳۱۸).

## ۱۰. مطالعه تطبیقی

در قوانین موضوعه کشورهایی که ذکر آن گذشت از حساب جاری تعریفی نشده است، اما از طرف مؤلفین حقوق بازرگانی و بانکداری و اساتید حقوق کلاسیک و معاصر مخصوصاً در کتب حقوق و بازرگانی فرانسه و سایر کشورهای اروپائی از قبیل آمریکا، کانادا، انگلیس، مالزی، سویس و بلژیک راجع به حساب جاری تعاریف مختلف بعمل آمده است.

مرحوم دکتر زنگنه در کتابی که بنام بانک، تألیف نموده حساب جاری را چنین تعریف کرده

است:

«حساب جاری قراردادیست که بین دو شخص منعقد می‌شود بر طبق آن کلیه معاملاتی که بین آنها وقوع می‌یابد در یک صورت واحد وارد شده ارقام آن اختصاصات خود را فاقد گشته و نتیجه آن مانده تر از آن خواهد بود».

تعریف‌هایی را که مؤلفین خارجی حقوق بازرگانی از قبیل مرلن ((Merlin, 1825 لیون کان - و رنو<sup>۱</sup> و لاکور و بوترن<sup>۲</sup> و ریپر ((Ripert, 1959 از حساب جاری نموده‌اند می‌توان بطور کلی بدو دسته تقسیم نمود:

بعضی از مؤلفین مانند مرلن و آلوزه (Alauzet, 1879) و دیتز (Dietz, 1869) حساب جاری را یک عمل حسابداری ساده و تابلو مشتمل بر ستون بدهکار و بستانکار تعریف کرده و هیچ گونه اثر حقوقی برای آن قائل نشده‌اند. علاوه بر اینکه عده‌ای از مؤلفین قرن ۱۹ و اوائل قرن ۲۰ حساب جاری را صرفاً یک عمل حسابداری تلقی کرده‌اند، مدت‌ها رویه قضائی دوران مزبور نیز مبنی

---

1. Lyon- Caen et Renault

2 Léon Lacour et Jacques Bouteron

بر همین نظریه بود و آراء متعدد از دیوان کشور فرانسه و بلژیک مبنی بر اینکه حساب جاری یک عمل حسابداری و بانکی بیش نبوده و هیچ‌گونه اثر حقوقی بر آن مترتب نمی‌باشد، صادر شده است.<sup>۱</sup> عقیده مزبور از طرف عده‌ای از مؤلفین دیگر مانند دلامار ((Delamare, 1862) و پواتون (Poitvin, 1862) که از مؤلفین معروف فرانسه‌اند و تئوری مخصوصی راجع به حساب جاری دارند مورد انتقاد شدید واقع شده و حساب جاری را نوعی عقد تعریف کرده‌اند.

۱. بواسل (Boistel, 1884) تعریفی از حساب جاری کرده که از طرف عمده‌ای از مؤلفین از قبیل لیون کان و رنو و تالر<sup>۲</sup> هم پذیرفته شده است با عقیده مخصوصی که بواسل برخلاف سایر مؤلفین راجع به عدم انتقال مالکیت پرداخت‌های حساب دارد که بموقع خواهیم دید ذکر تعریف وی که مفاد آن ذیلاً نقل می‌شود بی مورد خواهد بود:

«حساب جاری عقدی است که بموجب آن طرفین قرار می‌گذارند، هنگامی که مطالبات ناشی از عملیات آنها وارد حساب می‌شود استقلال و وضع خاص خود را از دست داده تشکیل مانده می‌دهد، که فقط در دوران مورد توافق طرفین قابل مطالبه باشد».

۲. ژرژ ریپر و امانوئل ورژه در جلد اول کتاب حقوق تجارت منتشر در ۱۹۵۶ (Emmanuel Vergé and Georges Ripert, 1956) از بیان توضیح لازم در اطراف تعریف‌های عده‌ای که از حساب جاری شده تعریفی پیشنهاد نموده‌اند که مفاد آن ذیلاً درج می‌گردد:

«حساب جاری عقدی است که به موجب آن دو شخص در روابط معاملاتی خود موافقت می‌نمایند، مجموع عملیات مختلف بین خود را از طریق ثبت پرداخت‌های بدهکار و بستانکار در حساب واحدی انجام دهند بستانکاری‌ها و بدهکاری‌های ناشی از دوران عمل حساب حالت تعلیق داشته فقط موقع بستن حساب مانده آن بطور قطع قابل پای یا پای و مطالبه خواهد بود».

---

۱. رأی مورخ ۱۰ نوامبر ۱۸۱۸ و ۱۰ فوریه ۱۸۴۷ و ۲۵ مارس ۱۸۶۲ و ۲۸ ژوئن ۱۸۶۲.

## ۱۲. نتیجه مباحث

در این مقاله سعی گردید، پژوهشی جامع از قرارداد حساب جاری ارائه گردد. از کنکاش در ماهیت این قرارداد چنین نتیجه‌گیری شد، که این قرارداد با هیچ‌یک از عقود ودیعه یا قرض تطابق نداشته، بلکه باید، آن را در زمره عقود نامعین تلقی نمود. در نهایت، قرارداد حساب جاری بانکی عبارت است از:

قراردادی است، که مطابق آن بانک و مشتری (صاحب حساب) توافق می‌کنند، که حسابی معین تحت عنوان حساب جاری بانکی بنام مشتری (صاحب حساب) در بانک افتتاح کند و بانک تعهد می‌نماید، کلیه وجوه واریزی به این حساب را به پذیرد و تمام یا بخشی از معادل آن وجوه را حسب دستور مشتری به وی یا هر شخص دیگر دارنده چک بپردازد. قرارداد حساب جاری قراردادی خاص، مستقل و نامعین بوده و برای کشف شرایط خاص انعقاد این قرارداد، آثار آن، تعهدات متقابل طرفین و... می‌بایست از متن قرارداد که مبین قصد مشترک طرفین می‌باشد، و نیز منابع پراکنده‌ای نظیر قواعد عمومی قراردادها، حقوق تجارت، عرف خاص بانکی، اصول و قواعد فقهی و حقوقی استفاده نمود.

در بررسی آثار قرارداد حساب جاری بانکی ملاحظه گردید، که سه اثر اصلی این قرارداد عبارتند از "تعهد بانک به پذیرش وجوه واریزی"، "انتقال مالکیت وجوه واریزی به بانک" و "تعهد بانک به استرداد عندالمطالبه مثل وجوه دریافتی". و آثار ضمنی نیز بررسی شد. در بخش آخر موارد انحلال قرارداد بررسی گردید. در این بخش ابتدا موارد ازادی انحلال در این قرارداد بررسی شد، و سپس مواردی که قهری قرارداد حساب جاری با انحلال مواجه می‌گردد، مورد بحث قرار گرفت. این موارد قهری خود در دو دسته موارد مرتبط با بانک و صاحب حساب مورد بررسی قرار گرفت. ممنوعیت بانک از انجام عملیات به حکم هیات انتظامی بانک‌ها از علل انحلال قهری مرتبط با بانک می‌باشد، لیکن استدلال شد، که انحلال یا ورشکستگی بانک را نمی‌توان موجب انحلال فوری قرارداد حساب جاری دانست و در این‌گونه موارد قرارداد حساب جاری تا پایان امر تسویه به قوت خویش باقی خواهد ماند. در ادامه موارد انحلال قهری مرتبط با صاحب حساب مورد بحث قرار گرفت. ملاحظه

گردید، که مطابق ماده ۲۱ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ یکی از موارد انحلال قرار داد حساب جاری بانکی صدور بیش از یکبار چک بلامحل توسط صاحب حساب است، البته در صورتی که منجر به صدور کیفرخواست گردد.

## فهرست منابع

### الف-فارسی

اسکینی، ربیعا (۱۳۸۰)، حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری، جلد اول، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران.  
امامی، سید حسن (۱۳۷۷)، حقوق مدنی، جلد (۲)، چاپ چهاردهم، کتابفروشی اسلامیه، قم.  
بهمند و بهمنی، محمد و محمود (۱۳۷۹)، بانکداری داخلی (۱)، چاپ هفتم، موسسه عالی بانکداری ایران، تهران.  
دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۰)، فرهنگ دهخدا، جلد دوم، چاپخانه دانشگاه تهران.  
شهیدی، مهدی (۱۳۸۳)، سقوط تعهدات، چاپ ششم، انتشارات مجد، تهران.  
ضیایی، منوچهر (۱۳۷۲)، مجموعه قوانین پولی و بانکی و سایر قوانین مربوطه از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۷۰، جلد اول، چاپخانه سازمان برنامه و بودجه کشور، تهران.  
کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، حقوق مدنی، عقود معین (۴)، شرکت سهامی انتشار، تهران.  
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، درس‌هایی از عقود معین (۲)، چاپ نهم، کتابخانه گنج دانش، تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، چاپ پنجم، شرکت سهامی انتشار، تهران.  
کاشانی، محمود (۱۳۸۴)، «نارسایی‌های حقوقی بانکداری در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ۴۲، تهران.  
کیایی، کریم (۱۳۴۷)، حساب جاری، چاپ شرکت بورس تهران.  
مسعودی، علیرضا (۱۳۸۶)، حقوق بانکی، انتشارات پیشبرد، تهران.

### ب-انگلیسی

University of London. Centre for Commercial Law Studies, & Chartered Institute of Bankers (London) (1999), European banking law: the banker-customer relationship. R. Cranston (Ed.). LLP.  
Ellinger, E. P., Lomnicka, E., & Hare, C. (2011), Ellinger's modern banking law. Oxford University Press.  
Cranston, R. (2018), Principles of banking law. Oxford University Press.

### ج-فرانسه

Things you need to know about banking in France - Complete France  
Merlin, Répertoire de Jurisprudence, 1825, Compte courant  
Lyon- Caen et Renault, Traité de droit Commercial t. 1v.  
Léon Lacour et Jacques Bouteron, précis de droit commercial, t 2.  
Ripert, traité élémentaire de droit commercial 1959.  
Delamarre et Le Poitvin, traité de droit Commercial, 1862 t. 111. p. 434.

Boistel, PRÉCIS de droit Commercial, 1884, No 880 A.

Dalloz Répertoire de droit Commercial et des sociétés. Emmanuel Vergé et Georges Ripert, 1956, t 1er p. 537, No 38.

Alauzet, Commentaire de code de Commerce, 1879. t. 1er.

Dietze, des comptes courants, 1869.